

دستگیر و بوسیله اتومبیل به کاشان فرستاده شدند. در حدود پانزده تن دیگر نیز که اهمیتشان به پایه تبعید شدگان نمی رسد در خود تهران توقیف شده و تحت نظر قرار گرفته اند. نتایج ناشی از این اقدام دولت عالی بوده و مردم تهران و جراید پایتختی متفقاً آن را تصویب و اظهار راحتی کرده اند.

هیچیک از مجتهدان تهران جزء این بازداشت شدگان نیستند ولی حکومت به همه روحانیان مخالف اخطار کرده است که اگر بیش از این در امر سیاست مداخله کنند به آنها نیز همان خواهد رسید که به دیگران رسیده است. اسامی آن پنج تن محرک اصلی که به کاشان تبعید شده اند به قرار زیر است:

۱- ممتاز الدوله، ۲- معین التجار، ۳- مستشار الدوله، ۴- ممتاز الممالک، ۵- محشم السلطنه.

رونوشت این تلگراف به هندوستان و بغداد نیز مخابره شد.

با احترامات: کاکس

سند شماره ۶۵ (= ۷۷۰ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دهم سپتامبر ۱۹۱۹ سربرسی کاکس به لرد کرزن

شب گذشته وزیر مختار آمریکا اعلامیه ای که متن کامل آن در این گزارش به عرضتان خواهد رسید، در اختیار سه روزنامه فارسی زبان تهران گذاشت و همزمان با آن مقداری از نسخه های ماشین شده اعلامیه را میان مردم شهر پخش کرد. یکی از سردبیران جراید که متن اعلامیه را دریافت کرده بود آن را به نخست وزیر نشان داد و چون اعلامیه سفارت آمریکا دیرگاه شب به دست مدیران جراید رسیده بود درباره اش تفسیری در روزنامه های صبح امروز نوشته نشد، ولی نسخه هایش با چنان سرعتی در شهر تکثیر شده که تقریباً همه از مضمون اعلامیه مطلع شده اند و کوشش برای جلوگیری از انتشار آن در جراید پایتخت کاملاً بیفایده است. از این جهت نخست وزیر دستور داده است که متن اعلامیه مزبور همراه با تفسیرهای مناسب، در روزنامه های صبح فردا چاپ شود.

در قبال این وضع، من فایده ای در این کار نمی بینم که اعتراضی به وزیر مختار آمریکا در تهران تسلیم کنم و فقط می توانم کم و کیف قضیه را به اطلاع عالیجناب و حکومت انگلستان برسانم تا به هر نحوی که صلاح دانستید قضیه را پیش مقامات عالیرتبه آمریکا مطرح کنید و اقدامات لازم را مستقیماً در لندن یا واشنگتن صورت دهید.

ولی به هر تقدیر، از نظر خود من، بندهای ۲ و ۳ این اعلامیه نقض آشکار آئین ادب بین المللی است و با اصول دوستی میان ملتها تباین فوق العاده دارد.

جای خوشوفتی است که افرادی که در تلگراف قلی من به آنها اشاره شده است^۱ در حال حاضر دستگیر شده‌اند و در تبعید و یا بازداشت بسر می‌برند و گرنه اگر آزاد بودند استفاده‌های بسیار بزرگ و عالی از صدور این اعلامیه می‌کردند.

وثوق الدوله درخواست می‌کند که حکومت بریتانیا در صورت امکان اولیای دولت آمریکا را وادار سازد تا اعلامیه دیگری منتشر کند و در ضمن آن توضیح دهند بیانیه ای که هم‌اکنون در تهران منتشر شده غرضش این بوده که هر نوع سوء تفاهمی را که پس از انتشار سرمقاله روزنامه رعد ممکن بوده بوجود آید از بین ببرد و به هیچ وجه چنین منظوری نداشته که اصالت قرارداد ایران و انگلیس را در معرض شک و تردید قرار دهد چونکه این قرارداد، به تصدیق خود دولت آمریکا، از هر حیث به نفع ایران است و اگر آنها به جای حکومت ایران بودند بهتر از این نمی‌توانستند تنظیم کنند. حال می‌رسیم به نقل اعلامیه سفارت آمریکا که متن کامل آن چنین است:

اعلامیه سفارت آمریکا در طهران

مورخ نهم سپتامبر ۱۹۱۹

«انظریه سوء تعمیری که در سرمقاله مورخ ۲۹ اوت روزنامه رعد از رویه پرزیدنت ویلسن و هیئت نمایندگی آمریکا در کنفرانس صلح پاریس، و به طور کلی از رویه کشور آمریکا نسبت به ایران، بعمل آمده است به نظر ما مناسب آمد عین اعلامیه ای را که از طرف وزارت خارجه آمریکا صادر و هم‌اکنون بدست ما رسیده است به اطلاعاتان برسانیم:

از وزارت خارجه آمریکا در واشنگتن به سفارت آمریکا در طهران:

۱ - حکومت کشورهای متعهد آمریکا به شما دستور می‌دهد که در نزد اولیای حکومت ایران یا نزد هر ایرانی دیگر که به سرنوشت و مسائل سیاسی کشورش علاقه مند باشد، رسماً این شایعه را تکذیب کنید که کشور آمریکا از کمک کردن به ایران مضایقه و امتناع ورزیده است. دولت آمریکا علاقه مندی خود را به رفاه و سعادت ایرانیان در گذشته به طرق و انحاء مختلف نشان داده است.

۲ - اعضای هیئت نمایندگی آمریکا در کنفرانس صلح پاریس به کرات و با نهایت اشتیاق و جذبیت، مساهمی خود را بکار بردند تا اعضای هیئت نمایندگی ایران بتوانند در جلسات کنفرانس حضور یابند و حرفهای خود را به گوش نمایندگان دولی که در آنجا گرد آمده بودند برسانند. اعضای هیئت نمایندگی ما دچار تعجب شدند از اینکه در این زمینه کمکی از دیگران دریافت نکردند و در کوششهایی که در این زمینه بکار بردند حمایتی نصیبشان نشد جز اعلام ناگهانی این خبر که انگلستان و ایران قرارداد جدیدی میان خود

بسته اند. انعقاد این قرارداد شاید تا حدودی دلیل این معما را که چرا هیئت نمایندگان آمریکا در مساعی اش برای گرفتن وقت برای هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح موفق نشد، تشریح و تعلیل کند.

۳- نیز به نظر می رسد که حکومت ایران در تهران از مساعی نمایندگانانش در پاریس که می خواستند عرضحال کشورشان را به کنفرانس صلح تقدیم دارند حمایت مؤثری بعمل نیاورده است. حکومت آمریکا از شنیدن این خبر که اخیراً قراردادی میان انگلستان و ایران بسته شده متعجب است زیرا همین مسئله نشان می دهد که ایران یکباره به سوی انگلستان برگشته و از این بیعت طالب حمایت و کمک دولت آمریکا نیست و این عمل (عقد پیمان جدید با بریتانیا) علی رغم این حقیقت آشکار صورت گرفته که اعضای هیئت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح، به طور جدی و صریح خواستار کمک و معاضدت آمریکا نیست به کشورشان بودند. «- پایان اعلامیه سفارت آمریکا.

رونوشت این تلگراف به هندوستان و بغداد هم مخابره شد.

با احترامات: کاکی

سند شماره ۶۶ (= ۷۷۱ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دهم سپتامبر ۱۹۱۹ سررسی کاکی به لرد کرزن

عطف به تلگراف قبلی من (مربوط به پخش اعلامیه سفارت آمریکا در تهران).

اجازه بفرمائید این نکته را دوباره تأکید کنم که هیچ نسخه ای از این اعلامیه برای شخص نخست وزیر یا حکومت ایران ارسال نشده بود و وثوق الدوله از وجود آن و جریان پخش شدنش در پایتخت فقط موقعی اطلاع یافت که یکی از مدیران جراید تهران نسخه ای را که شخصاً دریافت کرده بود در اختیار نخست وزیر گذاشت. از آنجا که جراید مهم تهران در حال حاضر جعلگی تحت نفوذ وثوق الدوله و سفارت ما هستند، و نیز از آنجا که مخالفان مهم و مؤثر قرارداد همین چند روز پیش از تهران تبعید یا اینکه به زندانهای پایتخت منتقل شده اند فکر نمی کنم انتشار اعلامیه سفارت آمریکا تأثیر مهمی از خود باقی بگذارد ولی باید عرض کنم که همین اعلامیه اگر هفته گذشته (که مخالفان هنوز آزاد بودند) منتشر شده بود، ممکن بود ما را با اشکالاتی فوق العاده مواجه سازد.

گرچه تکرار مجدد این حرف جسارت است ولی امیدوارم حکومت بریتانیا بتواند به نحو مطلوب به حکومت آمریکا خاطر نشان سازد که اگر در نتیجه همین عمل وزیر مختار آنها آشوبی در تهران به وقوع پیوست و حکومت نظم و قانون بهم خورد، دولت بریتانیا هر آن اقدامی را که برای حفظ منافعش در ایران لازم باشد صورت خواهد داد.

رونوشت این تلگراف به هندوستان و بغداد هم مخابره شد.

با احترامات: کاکی

سند شماره ۶۷ (= ۷۷۲ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ یازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن

نخست وزیر به من اطلاع داد که در عرض روز گذشته دو تن از منشی های سفارت آمریکا مشغول پخش نسخه های زیادی از اعلامیه سفارت آمریکا (به دوزبان فارسی و انگلیسی) میان علمای تهران و خارجیان مقیم پایتخت بوده اند. رونوشت به هندوستان و بغداد هم مخایره شد.

با احترامات: کاکس

سند شماره ۶۸ (= ۷۷۳ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ یازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن

همزمان با انتشار اعلامیه سفارت آمریکا، سفارت فرانسه نیز اعلامیه ای به این مضمون منتشر ساخت که حکومت فرانسه بیاس قنصلگری از زحمات هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح، یک کشتی فرانسوی در اختیارشان قرار داده تا آنها را از باطوم به قسطنطنیه (استانبول) ببرد. نیز دولت فرانسه نشان معروف لژیون دونور را به رئیس هیئت نمایندگی ایران (مشاور الممالک انصاری) عطا کرده است.

همه این اعمال بخشی از سیاست مشترک فرانسه و آمریکا علیه حکومت وثوق الدوله و قراردادی است که او اخیراً با ما بسته است.

رونوشت تلگراف به بغداد و هندوستان هم مخایره شد.

با احترامات: کاکس

سند شماره ۶۹ (= ۷۷۴ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

نامه مورخ یازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن به مسند دیویس

(سفیر کبیر آمریکا در لندن)

سفیر کبیر عزیزم،

۱. اگر به خاطر آن باشد در هجدهم اوت امسال از شما خواهش کردم اظهار لطف فرموده مرا در وزارت خارجه ملاقات کنید تا بتوانم مفاد و مقاصد قراردادی را که اخیراً میان دولتم ایران و انگلستان بسته شده است برایتان تشریح کنم. در ضمن آن ملاقات به اطلاع عالیجناب رساندم که حکومت متبوعتان (کشورهای متحد آمریکا) از جریاناتی که منجر به عقد این قرارداد گردیده بکلی بی اطلاع نبوده است زیرا چند ماهی قبل از این قضیه که خودم در پاریس بودم مخصوصاً به دیدن کنتل هاوس رفتم تا وی را از کیفیت و چگونگی،

۱ - پیراهان صالح (مرحوم الهیارخان و برادرش علی پاشاخان) که هر دو در آن تاریخ مترجمان سفارت آمریکا بودند و با دستة مرحوم مدرس و سایر مخالفان قرارداد روابط نزدیک و محرمانه داشتند. مترجم

مذاکراتی که در آن تاریخ مشغول انجامش بودم آنگاه سازم و از ایشان خواهش کردم که قبول زحمت فرموده و شخص حضرت رئیس جمهور (پرزیدنت ویلسن) را از جریان قضیه مسبوق سازند تا معظم له براساس اطلاعاتی که در اختیارشان قرار می گرفت رویه خود را نسبت به هیئت نمایندگی ایران در پاریس (به فرض اینکه تقاضای اینان برای تسلیم نظریات و خواسته های کشورشان به کنفرانس صلح جداً مورد توجه قرار می گرفت) تعیین فرمایند. در اینکه کنل هاوس شخصاً به عهده گرفت گفته های مرا به گوش رئیس جمهور برساند جای هیچ گونه تردید نیست زیرا چندی بعد خود مشارالیه در لندن به من خبر داد که مأموریتی را که به عهده اش محول کرده بودم انجام داده و هرآنچه را که خواسته بودم به اطلاع پرزیدنت ویلسن رسانده است.

۲. در آن تاریخ کوچکترین اشاره یا بیته ای که دال بر این باشد که حضرت رئیس جمهور با این مذاکراتی که ما در تهران می کردیم مخالفند ابراز نشد به طوری که از آن تاریخ بعد، استنباط من همیشه این بوده که حکومت و کشور جناب عالی قراردادی را که با ایران بسته ایم به حسن قبول و رضایت قلبی تلقی می کنند.

استنباطی که در این باره داشتم پس از آخرین مصاحبه مان در هجدهم اوت امسال تأیید شد. در آن مصاحبه به عالیجناب خاطر نشان ساختم که فرانسویها از آنجا که به عقیده من ناراحت و عصبانی هستند از اینکه مساهی آنها در سوریه با شکست و ناکامی روبرو گردیده است، موفقیتی را که در تهران نصیب ما شده به چشم دشمنی می نگرند و وزیرمختارشان در تهران با حداعلای قدرتی که دارد می کوشد تا این قرارداد را در چشم ایرانیان مخوش و لکه دار جلوه دهد. تیز به عالیجناب گفتم شخصاً بر این عقیده ام که هیچ بعید نیست مشارالیه (وزیرمختار فرانسه در تهران) سعی و کوشش خود را بکار برد تا در این سیاست تحریک آمیزی که پیش گرفته پشتیبانی وزیرمختار آمریکا در تهران (مستر کالدول) را نیز جلب کند. با توجه به این اوضاع، و قبول این فرض که حکومت کشورهای متحد آمریکا نسبت به قراردادی که بسته شده رو بهمرفته نظری مساعد دارد، از عالیجناب سؤال کردم آیا برایتان مقدور است به حکومت متبوعتان پیشنهاد کنید به وزیرمختارشان در تهران توصیه کنند تا با اعلام پشتیبانی از قرارداد، راه را برای پذیرفته شدن آن از طرف ملت ایران هموار سازد؟

۳. عالیجناب با آن لطف و محبت همیشگی که نسبت به دوستدار دارد قول دادید در این باره اقدام بفرمائید و شخصاً نیز به من گفتید به نظرتان قراردادی که با ایران بسته شده پیمانی است بسیار خوب و به حقیقت مصالح ایران را بیشتر از منافع بریتانیا تأمین می کند.

۴. از آنجا که گزارشهای رسیده از تهران مرا به شک انداخته بود که آیا وزیرمختار آمریکا، طبق دستورهایی که قرار بود برایش فرستاده شود رفتار کرده است یا نه (زیرا در

رویه و رفتار نامساعدش نسبت به ما آن طور که می‌دیدم تغییری محسوس پیدا نشده بود) در عرض هفته گذشته چندین بار کوشیده‌ام عالیجناب را ملاقات و از خودتان کسب اطلاع کنم که آیا پاسخ واشنگتن به گزارشهایی که در این باره فرستاده بودید رسیده است یا نه، و اگر رسیده باشد چه جوابی به پیشنهاد من (که قرار بود توسط عالیجناب به اطلاع آنها برسد) داده شده است.

بدبختانه در عرض این روزهایی که مشتاق ملاقاتتان بودم در لندن تشریف نداشتید و حالا وضع طوری پیش آمده که مقارن بازگشت شما به لندن، خود من باید مدتی از لندن دور باشم. بنابراین مطالبی را که می‌خواستم حضوراً یا شما در میان بگذارم کتباً در این نامه به اطلاع‌تان می‌رسانم.

اعلام کتبی این مطلب به عالیجناب بیشتر از این حیث ضرورت و فوریت پیدا کرده است که همین امروز صبح با تلگراف از تهران به من خبر داده‌اند که در شب نهم سپتامبر آقای کالدول وزیر مختار شما در تهران بی‌آنکه کوچکترین اطلاع قبلی به نخست وزیر یا به دولت ایران داده باشد، اعلامیه زیر را در اختیار سه روزنامه فارسی زبان تهران گذاشته و همزمان با این عمل، نسخه‌های بیشماری از متن ماشین شده آن را بوسیله منشی‌ها و کارمندان محلی سفارت در سرتاسر شهر پخش کرده است.

(از اینجا بعد متن کامل اعلامیه سفارت آمریکا در تهران نقل شده است.)

۵. من البته هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال مطالبی که روزنامه رعد منتشر کرده است ندارم. نیز چنین حقی برای خود قابل نیستم که یا عمل دولت آمریکا یا نمایندگانش در تهران مخالفت کنم که چرا اقدام به تصحیح مطالب نادرستی که در روزنامه مزبور چاپ شده است کرده‌اند. اما با توجه به حقایقی که قبلاً به اطلاع عالیجناب رسانده بودم و همه آنها را در این نامه تکرار کرده‌ام، فوق‌العاده برایم دشوار است منظور اولیای سفارت آمریکا در تهران را از گنجاندن این جمله در اعلامیه‌شان که: «حکومت کشورهای متحد آمریکا خبر بسته شدن قرارداد ایران و انگلیس را با نهایت تعجب تلقی می‌نماید» بفهمم. در عین حال، اگر صراحت لهجه دوستدار را عفو فرمائید، باید خاطر نشان سازم که چنین عملی که در آن وزیر مختاریک دولت معظم و دوست بریتانیا، بی‌آنکه اطلاع یا هشدار قبلی به ما داده باشد، دست به انتشار یک چنین اعلامیه خصوصت‌آمیز بزند، قطع نظر از اینکه با عرف و آداب جاری دیپلماسی مغایر است، به طور حتم از چشم ایرانیان و ناظران محلی چنین تعبیر خواهد شد (کما اینکه به حقیقت همین طور هم تعبیر شده است) که دولت آمریکا عقد این قرارداد را با نظری نامساعد و حتی خصمانه می‌نگرد.

با توجه به آن اطمینانی که عالیجناب در جلسه مذاکرات قبلی به من داده بودید، تصور اینکه احساسات دولت آمریکا نسبت به قرارداد ایران و انگلیس همین باشد که عمل

وزیرمختارشان در تهران نشان می دهد، حقیقتاً باور نکردنی است. در مرتاسر این قرارداد، هرچه نگاه می کنم، چیزی نمی بینم که سوء ظن دوستان ایران را توجیه کند. به واقع در این پیمانی که ما با ایران بسته ایم جزئیات و خصوصیات زیادی هست شبیه به آن قراردادی که خود دولت آمریکا در این اواخر به عنوان «بهترین دوست کشور لیبیا» مشغول مذاکره برای بستن آن با حکومت لیبیا بوده است. طبق این قراردادی که کشورهای متحد آمریکا می خواهد با لیبیا ببندد، دولت آمریکا اعتباری به مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ دلار در اختیار آن دولت می گذارد که زیر نظر آمریکائیان برای اداره گمرک و جمع آوری درآمدهای داخلی لیبیا صرف گردد. نیز به آمریکا حق می دهد نواحی داخلی لیبیا را برای آنها اداره کند و نیروی پلیس نظامی آن کشور را تحت نظر افسران آمریکائی تشکیل دهد. موادی که در قرارداد آمریکا و لیبیا گنجانده شده است، زمام سرنوشت سیاسی و اقتصادی لیبیا را خیلی بیشتر در قبضه قدرت آمریکا قرار می دهد تا مواد آن پیمانی که ما با ایران بسته ایم زیرا در نص پیمان ایران و انگلستان کوچکترین نشانی از این گونه وسایل اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی که نصیب آمریکا در لیبیا شده است دیده نمی شود گرچه اگر به دیده انصاف بنگریم ما خیلی بیشتر استحقاق اعمال نفوذ در سرنوشت ایران را داریم تا آمریکائیه در سرنوشت لیبیا. اولاً از این جهت که از حیث موقعیت جغرافیائی ایران به مهمترین بخش امپراطوری بریتانیا (هندوستان) چسبیده است در حالی که آمریکا و لیبیا مرز مشترک ندارند. ثانیاً از این لحاظ که بریتانیای کبیر متقبل مخارجی هنگفت در ایران شده است برای اینکه از منافع متفقین در این کشور در دوران جنگ، حفاظت کند و مانع از سقوط حکومت مرکزی در مقابل متجاوزان نیرومند (عثمانیه و آلمانیها و بالشویکها) گردد. دولت اعلی حضرت پادشاه انگلستان به احترام تقاضای عاجل کشورهای متحد آمریکا نه تنها پیشنهادی را که آنها برای بستن قرارداد با لیبیا کرده بودند به حسن قبول تلقی کرد بلکه به پاس تسایل شدید آمریکا، هیچ گونه اصراری در این باره نکرد که این موضوع (قیمومت آمریکا بر لیبیا) قبلاً برای تصویب به جامعه ملل احاله گردد.

با توجه به تمام این حقایق، هنوز قادر به زدودن این فکر از لوحه ذهنم نیستم که حتماً سوء تفاهمی درباره قرارداد ایران و انگلیس ایجاد شده است که باید رفع شود. بنابراین امیدوارم موقعی که این نامه به دستتان می رسد تعلیمات لازم برای وزیرمختار آمریکا در تهران فرستاده شده باشد که طبق همان احساسات و حسن نیتی که شخص عالیجناب در جلسه مصاحبه قبلی نشان دادید رفتار کند و اثرات نامساعد حادثه ای را که در تهران ایجاد شده است (موضوع پخش اعلامیه ضد انگلیسی میان ملتون ایرانی) از بین ببرد. از این همه فراتر می روم و اظهار امید می کنم که حکومت متبوع عالیجناب بتواند بیدرنگ به حکومت ایران و مطبوعات ایرانی اطلاع بدهد که اعلامیه ای که در تهران پخش شده منظورش وارد

کردن هیچگونه اتهام مغرضانه به روح قرارداد ایران و انگلیس، که هدفش حفظ مصالح ایران است، نبوده بلکه فقط می خواسته است اثرات هرگونه سوء تفاهسی را که مقاله روزنامه رعد ممکن است ایجاد کرده باشد زایل سازد. به حقیقت بدبختی بزرگی برای همه ما خواهد بود اگر در این نقطه عطفی که در تاریخ ایران پیش آمده، زمینه هائی برای بدگمانی ایجاد شود که دولتهای معظم جهان که مساعی و فداکاریهای مشترک آنها این جنگ را برده است اکنون نسبت به سیاستی که باید در ایران اجرا شود دچار تفرقه و پراکندگی شده اند و می خواهند این کشور را دوباره به صحنه رقابتهای و حسادتهای بین المللی تبدیل و مردمش را به همان سرنوشتی دچار سازند که در گذشته اینهمه از آن زیان دیده اند.

با احترامات: کروزن

سند شماره ۷۰ (= ۷۷۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ یازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سر جرج گراهام (از پاریس) به لرد کروزن (در لندن)

عطف به تلگراف شماره ۱۰۷۳ مورخ نهم سپتامبر عالیجناب^۱

وزیر امور خارجه ایران (نصرت الدوله) امروز صبح وارد پاریس شد و پیغام عالیجناب را فوراً به ایشان رساندم. معظم له نخست اعلام داشت که قصد دارد فردا به لندن حرکت کند ولی پس از آنکه اطلاع پیدا کرد که عالیجناب تا نوزدهم سپتامبر در لندن نخواهید بود تغییر عقیده داد و اکنون خیال دارد روز پانزدهم و به احتمال بیشتر روز شانزدهم سپتامبر پاریس را به قصد انگلستان ترک کند.

در تعلیل این تغییر برنامه، حضرت والا اظهار داشت که کارهای زیادی در پاریس دارد که باید انجام دهد. نقشه اولیه اش این بوده که بلافاصله به دیدن شما به لندن بیاید و بعد برگردد و به کارهای معوقش در پاریس برسد. گرچه برایشان توضیح دادم که نبودن عالیجناب در لندن تأثیری در برنامه پذیرائی از ایشان ندارد و حکومت انگلستان خوشوقت خواهد بود که هرچه زودتر میزبان حضرت والا در لندن باشد، ولی نصرت الدوله به هر حال ترجیح می دهد که زمان ورودش به لندن خیلی جلوتر از تاریخ بازگشت خود شما به لندن و ملاقاتتان با وی نباشد.

از من خواسته او را در جریان بگذارم که آیا این ترتیب مورد پستد و رضایت عالیجناب هست یا نه.

با احترامات: گراهام

سند شماره ۷۱ (= ۷۷۶ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن از لندن به سر جرج گراهام (در پاریس) عطف به تلگراف شماره ۱۰۰۷ مورخ دوازدهم سپتامبر شما (راجع به آمدن وزیر خارجه ایران نصرت الدوله فیروز میرزا به لندن)^۱.
وعدۀ ضیافتی را که قرار است به افتخار نصرت الدوله داده شود جلو انداخته و تاریخ آن را به روز ۱۸ سپتامبر پیش برده ایم.
فوق العاده خوشوقت خواهیم شد اگر حضرت والا بتواند روز یکشنبه (۱۴ سپتامبر) یا دوشنبه (۱۵ سپتامبر) وارد لندن گردد که در هر کدام از این دو تاریخ ترتیبات لازم برای پذیرائی و تفریحات ایشان در لندن داده خواهد شد.
محرمانه. در قضیه آمدن ایشان به لندن هر چه می توانید بیشتر فشار بیاورید زیرا حقیقت این است ما نمی خواهیم نصرت الدوله پیش از آمدن به لندن زیاد در پاریس بماند و با مخالفان قرارداد در آنجا معاشرت و آمیزش داشته باشد.^۲

سند شماره ۷۲ (= ۷۷۷ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سررسی کاکس به لرد کرزن عطف به تلگراف شماره ۵۴۱ مورخ سیزدهم اوت من^۳
مستخدمان بلژیکی مقیم تهران کماکان به وزیر مختارشان فشار می آورند که بیانیۀ ای رسمی درباره وضع استخدامی آنها تحت قرارداد جدید ایران و انگلیس صادر گردد. آیا در خلال این مدت تبادل نظری با حکومت بلژیک انجام داده اید یا نه؟
وزیر مختار بلژیک در تهران پیشنهاد می کند که من و او متفقاً توافقنامه ای در این خصوص تنظیم کنیم و برای تصویب عالیجناب به لندن بفرستیم. و به هر حال فکرمی کنیم اگر نگرانی آنها را با صدور نوعی بیانیۀ یا اعلامیۀ رسمی در این باره رفع کنیم صلاح باشد.
با احتراعات: کاکس

سند شماره ۷۳ (= ۷۷۸ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

متن نامه سنتر دیویس (سفیر کبیر آمریکا در لندن) به لرد کرزن

سفارت کشورهای متحد آمریکا در لندن

تاریخ ۱۲ / سپتامبر / ۱۹۱۹

۱ - بنگرید به سند قبلی (شماره ۷۰) در این مجموعه.

۲ - در تلگراف مورخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۱۹ سر جرج گراهام به لرد کرزن اطلاع داد که نصرت الدوله راضی شده پاریس را در یازدهم روز چهاردهم سپتامبر به قصد لندن ترک کند.

۳ - بنگرید به سند شماره ۱۱ در این مجموعه.

لرد کرزن عزیزم نامه مورخ یازدهم سپتامبر عالیجناب را دریافت کرده‌ام^۱ و متأسفم از اینکه دیروز و پریروز به علت نبودنم در لندن از سعادت مصاحبه حضوری با شما محروم ماندم. گرچه نخستین بار است که از جریان آن حادثه بخصوص (موضوع پخش اعلامیه در نهران بوسیله منشی های سفارت آمریکا) خبردار می‌شوم ولی خود مسئله قرارداد به طور کلی، همان چیزی است که خیلی مایل بودم ضمن یک مصاحبه خصوصی با شما در باره اش صحبت کنم گرچه تحقق این منظور، با همه کوششهایی که در این زمینه بکار بردم، اول به علت دوری عالیجناب از لندن، و سپس به دلیل غیاب چند روزه خودم به تعویق افتاد.

البته مضمون نامه اخیرتان را که به من نوشته‌اید بدرنگ به اطلاع حکومت متبوعم خواهم رساند کما اینکه آن تقاضایی را که در مصاحبه هیجدهم این ماه از من کرده بودید همان موقع به واشنگتن فرستادم^۲. تا پیش از آن مصاحبه، تنها منبع اطلاع من درباره قرارداد ایران و انگلیس محدود به همان اعلامیه رسمی حکومت انگلستان بود که تقریباً سه روز قبل در مطبوعات انتشار یافت دایر بر اینکه چنین قراردادی بسته شده است و شاید جای تأسف باشد که عالیجناب از مذاکراتی که در آن جلسه میان ما صورت گرفت (راجع به نظر رسمی حکومت آمریکا درباره این قرارداد) نتیجه‌هایی گرفته باشید که بدبختانه با حقیقت وفق نمی‌دهد چون حتی خود من در آن تاریخ که با شما صحبت می‌کردم از نظر رسمی حکومت آمریکا نسبت به قرارداد اطلاع و پژه‌ای نداشتم ولی اکنون می‌توانم به اطلاعاتن برسانم که پس از اینکه جریان مصاحبه اخیرم را با عالیجناب به استحضار مقامات ما فرقم در واشنگتن رساندم، از نحوه جوابهایی که دریافت کردم کاملاً معلوم شد که آن جو استار و سرپوش‌گذاری که هدفش مخفی نگاهداشتن مذاکرات مربوط به این قرارداد از چشم دیگران بوده است، تأثیری بسیار نامساعد در شخص حضرت رئیس جمهور و وزیر امور خارجه آمریکا بخشیده است و هر دو بر این عقیده‌اند که نوعی فقدان صداقت در این قضیه وجود دارد که خواه ناخواه انسان را مشکوک می‌سازد زیرا اگر غرض دولت انگلستان حقیقتاً چیزی نبوده جز عقد یک قرارداد مفید به حال ایران، در آن صورت حضور هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس، فرصتهای بیشمار در اختیار مقامات مسئول بر پتانیا می‌گذاشت تا بیانیه‌ای کامل درباره اغراض و مقاصد سیاسی خود در ایران منتشر سازند. به این دلیل مقامات رسمی آمریکا حاضر نیستند اقدامی در این باره صورت دهند یا مسئولیتی

۱ - بننگرید به سند شماره ۶۹ در این مجموعه.

۲ - بننگرید به سند شماره ۲۳ در این مجموعه (اشاره به تقاضای لرد کرزن که از دولت آمریکا خواسته بود به وزیر مختارشان در نهران - سفر کاندول - دستور دهند با صدور اعلامیه‌ای حمایت دولت آمریکا را از قرارداد ایران و انگلیس رسماً اعلام کند). مترجم

بپذیرند که در چشم ایرانیان بمنزله تصویب قراردادی که تحت چنین شرایطی بسته شده است تلقی گردد.

پس از دریافت این اطلاعات و آگاه شدن از نظر دولت متبوعم بیدرنگ با کلنل هاوس تماس گرفتم و عصاره مذاکراتی را که چندی پیش میان عالیجناب و ایشان در پاریس صورت گرفته بود (وجزئیات آن را از زبان خودتان شنیده بودم) عیناً برایش تکرار کردم. درباره آن قسمت از مذاکراتتان با وی که صلاح نیست به هیئت نمایندگی ایران اجازه شرکت در کنفرانس صلح داده شود و بهتر است که مسئله ایران به نحوی دیگر مورد بررسی قرار گیرد - تا اینجا حافظه کلنل هاوس عین گفته شما را تأیید می کرد. اما نسبت به بقیه مطالبی که اظهار فرمودید متأسفانه کلنل هاوس به خاطر ندارد که شما چیزی درباره مضمون قرارداد، یا خصوصیات و مقاصد آن، یا اینکه منظورتان بستن پیمانی از این گونه با ایران بوده است، به او گفته باشید و بنابراین قادر نیست آن حالت تعجب و نارضایتی را که به حضرت رئیس جمهور و وزیر خارجه ایشان دست داده است رفع کند.

از دریافت نامه اخیر عالیجناب مخصوصاً خرمند شدم چون فرصتی در اختیارم گذاشت تا وضع را کاملاً برایتان روشن کنم و هر نوع سوء تفاهم احتمالی در این قضیه را برطرف سازم.

با احترامات: ج. و دیویس

سند شماره ۷۴ (= ۷۸۰ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

نامه مورخ چهاردهم سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن به مسرد دیویس (سفیر کبیر آمریکا در لندن)
 سفیر کبیر عزیزم، چون فعلاً در لندن نیستم جواب نامه مورخ دوازدهم سپتامبر شما را^۱ که مربوط به قرارداد اخیر ایران و انگلستان است، با حد اعلای اختصار می توانم بدهم. ولی بعد از بازگشت به لندن، هر موقع که خواستید در اختیارتان هستم که راجع به این موضوع مفصلاً صحبت کنیم. و این چند خطی هم که حالا می نویسم بیشتر برای روشن کردن آن نکته اصلی - ملاقات من با کلنل هاوس در پاریس - است.

همان طور که قبلاً به اطلاعات رساندم، موقع اقامت در پاریس با اطلاع و تصویب قبلی نخست وزیر (مستربالفور) به دیدن کلنل هاوس رفتم زیرا از یک طرف امکان توقف خود من در پایتخت فرانسه متأسفانه خیلی کوتاه بود و از طرف دیگر وقت ریاست جمهور آمریکا هم، چنانکه می شنیدم، بینهایت محدود و گرفته بود. بنابراین ترجیح دادم که کلنل هاوس را ملاقات کنم و منظورم از این ملاقات به طور دقیق بحث درباره همان موضوعی بود که جریانش را در آخرین نامه ام به شما ذکر کرده ام. تنها دلیلی که

می توانست مرا وادار به طرح مسئله حضور هیئت نمایندگی ایران (در کنفرانس صلح پاریس) سازد. — و این مسئله ای بود که خود کنفرانس طی شش ماه قبلی، کوچکترین تمایلی به نزدیک شدن به آن نشان نداده بود. — همین بود که می خواستم بنام دولت بریتانیا به ایشان اطلاع بدهم که بهتر است این مسئله، در خارج از جلسات کنفرانس حل بشود. به همین دلیل، نظر کلنل هاوس را به این موضوع جلب کردم که شخصاً مشغول عقد قراردادی با دولت ایران هستم که اگر بسته شود مسئله حضور هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس صلح پاریس خود به خود حل خواهد شد، و جز این هیچ دلیل دیگری وجود نداشت که من این موضوع را پیش کلنل هاوس مطرح یا اینکه از او خواش کنم که گفته های مرا به اطلاع پرزیدنت و بلسن برساند. پس از مراجعت از پیش کلنل هاوس، جریان ملاقاتم را با وی بیدرتنگ به مستربالفر گزارش دادم و پس از اینکه کلنل هاوس به من اطلاع داد که مطالب مورد نظر را به اطلاع حضرت رئیس جمهور رسانده است، طبعاً این طور اتخاذ نظر کردم. — و تاکنون هم روی همین نظر کار کرده ام. — که حکومت آمریکا لااقل از مقاصد کلی دولت بریتانیا آگاه بوده است.

با احترامات: کرن آف کهدلتن

سند شماره ۷۵ (= ۷۸۱ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ پانزدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرریسی گاکس به لرد کرن

جناب لرد،

بنا به تلگرافی که وثوق الدوله از وزیر مختار ایران در واشنگتن دریافت کرده، بخشی از مطبوعات آمریکائی که ظاهراً به الهام مقامات مخالف قرارداد تفسیر یا مقاله می نویسند، شدیداً به قرارداد حمله کرده اند و حتی پیشنهاد شده است که مجلس سنای آمریکا نسبت به این موضوع (بسته شدن قرارداد) اعتراض کند. مطبوعات مخالف قرارداد می کوشند از حضور ارباب کیخسرو (نماینده زرتشتیان در دوره سابق مجلس) که در حال حاضر در آمریکا است استفاده کنند و اظهار می دارند که وی برضد قرارداد صحبت کرده است^۱. اما خود نماینده مزبور، به قراری که می شنوم، اظهارات جریاید آمریکا را تکذیب کرده است.

۱ - اشاره به مرحوم ارباب کیخسرو شاهرخ رئیس جامعه زرتشتیان ایران و نماینده آنها در ادوار مختلف مجلس شورای ملی. مردی بود بسیار لایق و پاکدامن و مرموز پرست. وی از دوستان بسیار نزدیک مرحوم مدرس و مورد اعتماد کامل وی بود. حقوق نمایندگی مدرس همیشه پیش ارباب کیخسرو (رئیس کار برداری مجلس) جمع می شد و از همین پولها بود که آن روحانی بزرگوار حیاطی در تهران خرید. مدرس که همیشه صحت عمل و پاکدامنی ارباب را می ستود، یک بار به مناسبتی، خطاب به وکلای مجلس گفته بود: «شما آقایان، همه تان دعوی مسلمانی دارید. ولی بدانید که در این مجلس فقط یک مسلمان به معنای حقیقی این کلمه وجود دارد و آنهم ارباب کیخسرو است.»

کیخسرو شاهرخ در سال ۱۳۱۷ به نحوی مجوز در تهران فوت کرد. مترجم

اوضاع ایران کاملاً رضایت بخش است و مطبوعات طرفدار وثوق الدوله مقالات خوبی بر ضد بیانیۀ کالدول انتشار داده اند. سه تن از همقطاران سیاسی من فوق العاده از این حیث ابراز حسرت و ناخوسندی می کنند که چطور شده است نماینده سیاسی یک دولت متفق در تهران، (وزیر مختار آمریکا) اصول و آداب دیپلماسی را زیر پا گذاشته و دست به انتشار چنین اعلامیه ای زده است. به عقیده آنها عمل کالدول یک اشتباه بزرگ تاکنیکی است و این تیری که او به سوی انگلستان پرتاب کرده چه بسا که برگردد و خودش را مجروح سازد.

مع الوصف، هم وثوق الدوله و هم سردبیران روزنامه های موافق قرارداد، فوق العاده مشتاقند که دولت انگلستان کماکان از آنها حمایت کند تا بتوانند تحریرکات و فعالیت های مستر کالدول را خنثی سازند و هر نوع اقدام دولت بریتانیا برای عقیم کردن فعالیت های سیاسی وزیرای مختار فرانسه و آمریکا در تهران، و نشانیدن آنها سرجایشان، به موفقیت حامیان قرارداد کمک خواهد کرد.

رونوشت این تلگراف به بغداد و هند هم مخابره شد.

با احترامات: کاکس

سند شماره ۷۶ (= ۷۸۲ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ شانزدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن

جناب لرد،

نخست وزیر (وثوق الدوله) اخیراً به من اطلاع داد به وزیر مختار ایران در پاریس دستور داده است از رویۀ ناسازگار مسیو بونن (وزیر مختار فرانسه در تهران) پیش مقامات رسمی آن دولت شکایت کند.

از شخص موثقی که به نخست وزیر نزدیک است شنیده ام که دولت فرانسه شکایت وزیر مختار ایران در پاریس (صمدخان ممتاز السلطنه) را عیناً برای خود مسیو بونن در تهران فرستاده و او متعاقباً به وثوق الدوله رجوع و از او بازخواست کرده است که به چه مناسبت چنین شکایتی از او به دولت متبوعش شده است. وثوق الدوله جواب داده که شخصاً تعلیمات خاصی در این زمینه برای صمدخان فرستاده بوده ولی از مضمون مطالب روزنامه های ایران که مرتباً برای سفارت ایران در پاریس فرستاده می شود خود وزیر مختار ظاهراً احساس وظیفه کرده است که درباره این موضوع (رویۀ خصمانۀ مسیو بونن نسبت به حکومت فعلی ایران) با مقامات عالی رتبه دولت فرانسه تماس بگیرد و آنها را در جریان بگذارد.

با احترامات: کاکس

سند شماره ۷۷ (= ۷۸۳ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هفدهم سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن به سریرسی کاکس

عطف به تلگراف شماره ۶۲۸ مورخ دوازدهم سپتامبر شما^۱ (مربوط به وضع آتی کارمندان بلژیکی که در استخدام دولت ایران هستند).

در پاسخ استعلامی که کاردار سفارت بلژیک در ۲۵ اوت در لندن بعمل آورد دایر بر اینکه وضع استخدامی، و آینده مستخدمان بلژیکی، پس از بسته شدن قرارداد اخیر، چه صورتی خواهد داشت، در تاریخ سی ام اوت نامه ای به وی نوشتم و در ضمن آن اطلاع دادم که در بستن قرارداد اخیر با دولت ایران، حکومت اعلی حضرت پادشاه انگلستان هیچ گونه نقشه یا طرحی علیه کارمندان بلژیکی که در حال حاضر مشغول خدمت در ایران هستند ندارد و از همکاری مخلصانه آنها با مقامات بریتانیایی در تهران کمال رضایت و قدردانی نیز حاصل است.

کرزن

سند شماره ۷۸ (= ۷۷۹ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ سیزدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سریرسی کاکس به لرد کرزن

برای اطلاع عالیجناب،

سرهنگ گلوب (مستشار سوئدی ژاندارمری) گزارش می دهد:

۱ - وابسته نظامی سفارت فرانسه او را دو روز پیش در محل کاوش ملاقات و درخواست کرده است آخرین لیست نفرات ژاندارمری و نحوه تقسیم آنها در سراسر کشور در اختیارش قرار بگیرد. پس از دیدن این مدارک، او دوباره از سرهنگ گلوب درخواست کرده است در آتی رونوشتی از این اسناد را مرتباً برایش بفرستد زیرا از آنجا که سفارت فرانسه حافظ منافع اتباع سوئد در ایران است، و مستشاران ژاندارمری همگی سوئدی هستند، وی بینهایت علاقه مند است که اطلاعاتی منظم درباره وضع زندگی آنها و امکانات رفاهی شان در ایران داشته باشد. وابسته نظامی به هنگام ترک ستاد ژاندارمری دوباره از سرهنگ گلوب سؤال می کند: آیا اعضای تشکیلات ژاندارمری، چه افسران و چه نظرات، مطمئن هستند که منافع آنها در تحت قرار داد جدید ایران و انگلیس زیان نخواهد دید؟ سرهنگ گلوب جواب می دهد که شخص نخست وزیر ایران به همه آنها اطمینان داده است که بسته شدن قرارداد هیچ گونه اثر نامساعدی در وضعشان نخواهد داشت.

۲ - در عرض هفته گذشته، کنسولی سفارت فرانسه (میومازاک) با ملائی که وابسته به ژاندارمری است و وظائف قاضی عسکرا انجام دهد، تماس شخصی برقرار کرده

و به فراری که اطلاع پیدا کرده‌ام از او خواسته است این مطلب را خوب به اعضای ژاندارمری تفهیم کند که اگر از اجرای قرارداد ایران و انگلیس سر باز زنند، آمریکا و فرانسه و روسیه همگی از آنها پشتیبانی خواهند کرد. سرهنگ گلوپ تصمیم دارد ملا را به یکی از پایگاههای ژاندارمری واقع در حومه تهران انتقال دهد.

۳ - مطبوعات محلی بالحنی شدید و موثر به بیانیه اخیر سفارت آمریکا که در تهران توزیع شده است جواب داده‌اند. قطع نظر از تفسیرهایی که در روزنامه‌ها درج شده، نوعی عقیده کلی در تهران حکمفرماست که کشورهای متحد آمریکا هرگز نمی‌توانست چنین قصدی داشته باشد که اعلامیه موصوف را، به شیوه‌ای که وزیر مختارشان عمل کرده، در اختیار مردم ایران قرار دهد. به این دلیل تفسیرات روزنامه‌های تهران درباره عمل مستر کالدول بطور کلی خصمانه است.

بیانیه مزبور هنوز اثر خاصی در اذهان باقی نگذاشته جز اینکه ژنرال استراسلسکی (فرمانده نیروی قزاق) و امثال او، باحد اعلای استفاده از این موضوع، در گفتگوهای خصوصی با ایرانیان، صریحاً اظهار عقیده می‌کنند که در نتیجه انتشار بیانیه دولت آمریکا، نخست وزیر به احتمال قوی در آتی نزدیک کشته خواهد شد. خود وثوق الدوله خیلی نگران و کماکان منتظر اقدامات عالیجناب در نزد مقامات مسئول آمریکائی است زیرا جداً عقیده دارد که بعد از این عمل بی سابقه که از ناحیه مستر کالدول سرزده، وی در آتی مشکل بتواند یا چنین وزیر مختاری کار کند. رونوشت این تلگراف به بغداد و هندوستان هم مخابره شد.

کاکس

سند شماره ۷۹ (= ۷۸۴ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ نوزدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن

جناب لرد،

رونوشت تلگرافی که خدمتتان ارسال می‌شود امروز به هندوستان هم مخابره شد.

احساسات عمومی نسبت به قرارداد

گزارشهای رسیده از شهرستانها همچنان رضایت بخش است گرچه در عین حال لحن همه آنها نشان می‌دهد که مردم ایران، بی آنکه به اشکالات عملی قضیه توجه کنند (لزوم اجرای انتخاب جدید و سپس تسلیم قرارداد به مجلس) با یک حال بیصبری نامعقول، دائماً می‌پرسند که چرا قرارداد وارد مرحله اجرا نمی‌شود. در خود تهران، تاجانی که مربوط به عوامل تحت نظارت مامی شود، اوضاع کاملاً

رضایت بخش است ولی سفارتین آمریکا و فرانسه هنوز از فعالیتهای مستقیم و غیر مستقیم خود علیه ما دست برنداشته‌اند و کماکان بر آتش تحریکات سیاسی در پایتخت دامن می‌زنند.

نصرت الدوله به جای اینکه مستقیماً به لندن بیاید، دوسه روزی در پاریس توقف کرد و این توقف سه روزه، همچنانکه از اول هم می‌ترسیدم، اثراتی نامساعد و دگرگون کننده در وجودش داشته است. نخست وزیر (وئوق الدوله) امروز تلگراف مفصلی به من نشان داد که حضرت والا از پاریس مخابره کرده بود و لحن ترس آلود و بدبینانه آن نشان می‌داد که دوستان بیشمارش در فرانسه از فرصتی که داشته‌اند خوب استفاده کرده و او را به شدت مرعوب کرده‌اند. لطفاً موقعی که ملاقاتش کردید از او بخواهید اصل تلگراف را به شما نشان بدهد چون در پرتو اطلاعاتی که تاکنون از خود عالیجناب و حکومت انگلستان دریافت کرده‌ام هیچ فکرتی کتم مخالفت سایر دولتها یا قرارداد این اندازه جندی باشد که لحن تلگراف نصرت الدوله نشان می‌دهد.

خیلی می‌ترسم که وصول نسخه‌های جراید خارجی به تهران که حاوی مقالات ضد قرارداد هستند، اثراتی مضر و نامساعد علیه ما داشته باشد مگر اینکه اظهار لطف فرموده اطلاعات و مدارکی قبلاً در اختیارم بگذارید که بتوانم آن اثرات را پیشاپیش خنثی سازم. دلایل عمده دشمنان قرارداد که نصرت الدوله در تلگراف اخیرش به آنها اشاره می‌کند بطور خلاصه عبارتند از:

- ۱ - مفاد قراردادی که با ایران بسته‌ایم با اصول بنیانی جامعه ملل متناقض است.
 - ۲ - نفس همین قرارداد (اگر تصویب شود) ایران را از عضویت جامعه ملل محروم خواهد ساخت چون موادش طوری تنظیم شده که ایران را عملاً تحت الحمايه بریتانیا قرار می‌دهد و کشورهای تحت الحمايه حق عضویت جامعه ملل را ندارند.
- به وئوق الدوله گفتم مطالب مندرج در تلگراف نصرت الدوله، به واقع انعکاسی است از بانگ مخالفان ما در پاریس و آمریکا. و گرنه هیچ کدام از این عقایدی که ابراز شده، نشان دهنده نظرات رسمی دولتهای متفق ما (فرانسه و آمریکا) نیست. و بنابراین بهتر است که ایشان (وئوق الدوله) منتظر دریافت گزارش بعدی نصرت الدوله از لندن باشند که حتماً پس از ختم صیافتی که عالیجناب قرار است به افتخار ایشان بدهید به تهران ارمال خواهد کرد.

رونوشت این تلگراف به هندوستان و بغداد هم مخابره شد.

سند شماره ۸۰ (= ۷۹۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۹ لرد کرزن به سرپرستی کاکس

عطف به تلگراف شماره ۶۴۰ مورخ نوزدهم سپتامبر^۱

دیدار نصرت الدوله از لندن و نطقی که سرمیز شام به افتخارش ایراد کردم جو حسن تفاهم را (به نفع ما) روشن کرده است، و مطمئن حضرت والا، که اکنون دوباره به پاریس بازگشته، اوضاع را آنچنان تیره و یأس آور تلقی نخواهد کرد که تا چندی پیش می کرد.

کرزن

سند شماره ۸۱ (= ۷۸۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

نامه مورخ نوزدهم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرستی کاکس به لرد کرزن که در تاریخ هفتم نوامبر همین سال

در لندن دریافت شده است

جناب لرد،

افتخار دارم ترجمه نامه ای را که در تاریخ نهم سپتامبر به زبان فارسی به نخست وزیر ایران نوشته ام و او به علل و دلایلی که ذکر می شود ترتیب انتشار آن را در روزنامه های محلی داده است، خدمتان تقدیم دارم.

مستمسک عمده مخالفان قرارداد در جمله به وثوق الدوله، سوء تعبیر فوق العاده ای است که از متن و محتوای آن می کنند. اینان قضیه را به این ترتیب پیش مردم وانمود کرده اند که در تحت پیمان منعقد شده نه تنها تمام مستشاران دوایر ایران در آتیه باید انگلیسی باشند بلکه وظایف حکام شرع نیز، پس از تصویب قرارداد، از روحانیان سلب و به قضات و دادیاران انگلیسی سپرده خواهد شد.

موقعی که وزیر مختار آمریکا بیانیه مشهور خود را میان مردم توزیع کرد و نسخه هائی هم برای روزنامه های محلی فرستاد، جناب اشرف وثوق الدوله ضمن مذاکره ای که درباره همین موضوع با من داشت، صریحاً اظهار علاقه کرد که اگر بتوانم نوشته یا مسندی در اختیار روزنامه های طرفدار دولت قرار دهم، مثلاً نامه ای به شخص وی بنویسم که در ضمن آن قول و اطمینان صریح داده شده باشد که شایعاتی که مخالفان پخش می کنند کلاً مضرضانه و بی اساس است، آنوقت روزنامه های موافق دولت پیش از چاپ بیانیه سفارت آمریکا می توانند نامه مرا چاپ کنند و به امتداد مطالبش جواب اتهامات وزارت خارجه آمریکا را بدهند. اتخاذ چنین سیاستی (به عقیده وثوق الدوله) برای بی اعتبار کردن

بیانیه سفارت آمریکا فوق العاده مفید و مؤثر واقع می شد.

نامه من (که به واقع اجابت همین تقاضای وثوق الدوله است) همان طور که می خواستیم از طرف مطبوعات موافق دولت مورد استفاده قرار گرفت و نتایجی بسیار عالی بخشید و امیدوارم خود عالیجناب و حکومت انگلستان نیز مطالب آن را موافق و غیر قابل ایراد تشخیص دهید. رونوشت این نامه را عیناً به بغداد و هندوستان هم فرستاده‌ام.^۱
 با احترامات پریمی، کاکس

ترجمه نامه سرپرستی کاکس به وثوق الدوله (که اصل آن را دبیر شرقی سفارت انگلیس به زبان فارسی نوشته بوده است)

جناب اشرف،

در این اواخر متوجه شده‌ام بخشی کوچک از مردم ایران که عادت کرده‌اند منافع شخصی خود را در تیره کردن روابط حسنه ایران و انگلیس جستجو کنند از روی جهل، یا به علت ناتوانی از درک حقایق اوضاع، اتصالاً باعث ایجاد زحمت و تولید مشکلات برای کشور خود می شوند.

نیز متوجه شده‌ام که در مرحله فعلی روابط ایران و انگلیس، این گونه اشخاص سعی دارند با سوء تعبیر عمدی از متن و مقاصد قرارداد، ذهن هموطنانشان را مشوب و آنها را دچار وحشت سازند. و گرچه کاملاً از این موضوع آگاهم که در اعلامیه رسمی جناب اشرف، به هنگام انتشار متن قرارداد، کلیه اهداف و مقاصد ما در ایران به نحو مطلوب تشریح شده است، باز هم فکرمی کنم موقعش رسیده باشد که من یکبار دیگر به جناب اشرف اطمینان بدهم که هدفهای اصلی این قرارداد، که دولتین ایران و انگلیس مصلحت خود را در انعقادش تشخیص داده‌اند، عبارتند از:

۱ - رعایت استقلال کامل داخلی و خارجی ایران.

۲ - تهیه امکانات لازم برای تقویت حکومت ایران به نحوی که در آینده بتواند حافظ نظام داخلی کشور باشد و هر نوع خطری را که از خارج مرزها متوجه خاک ایران می شود، با نیروهای مسلح خود دفع کند.

۳ - تأمین اعتبارات و امکانات لازم برای اجرای برنامه های عمرانی و پیشرفت

دادن اقتصاد کشور.

۱ - اصل فارسی این نامه قاعدهتاً باید در اختیار خانواده وثوق الدوله باشد. ترجمه ای که در اینجا آمده از روی ترجمه انگلیسی متن اصلی است که برای نرد کرزن فرستاده شده ولذا از حیث سبک و انشاء و تلفیق مطالب با اصل نامه فرق دارد ولی مضمون هر دو نامه یکی است. مترجم

غرض حکومت بریتانیا از بستن این قرارداد با ایران، ابداً این نبوده است که حوزه حاکمیت یا استقلال ملی ایرانیان را محدود سازد. به عکس تمایل دولت متبوع من این است که این کشور باستانی سلطنتی که در نتیجه اختلاف وضع داخلی سالها در حال تعلیق و بلا تکلیفی مانده بود، به آن درجه از توانائی برسد که بتواند استقلال خود را بی کمک دیگران حفظ کند. نیز، با توجه به موقعیت مهم جغرافیائی ایران، امید است که عقد قرارداد اخیر منتهی به ایجاد وضعی گردد که در آن منافع متقابل هر دو دولت بهتر حفظ شود و بیشتر مورد احترام قرار گیرد.

آنهاست که می کوشند تفسیرات خاصی از این قرارداد بکنند - تفسیراتی که با روح و متن پیمان تناقض آشکار دارد - منظورشان از این عمل چیزی جز این نیست که اغراض و مقاصد شخصی خود را با منحرف جلوه دادن مواد قرارداد بهتر تأمین کنند. از این جهت، یک بار دیگر خاطر جناب اشرف را آسوده می سازم که مقاصد حکومت بریتانیا در ایران (تحت این قرارداد) با آن تفسیراتی که مخالفان می کنند زمین تا آسمان فرق دارد. به همین دلیل، برای اینکه بتوانید تعبیرات و تحریفات ناروای مخالفان را جداً تکذیب کنید این نامه را به نام حکومت متبوعم به جناب اشرف می نویسم و در پایان آن مجدداً اطمینان می دهم که کلیه مواد قرارداد طبق اصولی که با قدرت و حاکمیت و استقلال سیاسی ایران کمترین منافاتی نداشته باشد اجرا خواهد شد.

موقع را برای تجدید احترامات فائقه منتهم می شمارم.^۱

پرسی. ز. کاکس

سند شماره ۸۲ (= ۷۸۶ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۱۹ استرلیندسی (رابرتن سفارت بریتانیا در واشنگتن) به لرد کرزن جناب لرد،

مطبوعات عادی آمریکا تاکنون خیلی کم درباره ایران اظهار نظر کرده اند و بعضی از آنها اصلاً توجهی به مسئله ایران ندارند. فقط یک اقلیت فعال و هوشی از این روزنامه ها که کارشان تبلیغ کردن است به قلمفرسایی در این باره اشتغال دارند و به کمک هندیها و مصریها و ایرلندیهای مقیم آمریکا (که همه شان احساسات ضد انگلیسی دارند) به قرارداد ایران و انگلیس می نازند. در این ضمن نماینده زرتشتیان ایران، ارباب کیخسرو، سخت مشغول فعالیت است و جزوه ها و کتابچه های ضد قرارداد پشت سر هم منتشر می کند.

۱ - لرد کرزن در نامه مورخ ۱۳ نوامبر ۱۹۱۹ خود به تهران، لحن و محتوای نامه سرپرسی کاکس را تصویب کرد.

جالبترین موضوعی که در حال حاضر نظر مرا به خود جلب کرده، آن اثری است که بسته شدن این قرارداد در اذهان عناصر اعتدالی آمریکا و افراد تحصیلکرده این کشور که معمولاً احساسات دوستانه نسبت به انگلستان دارند بخشیده است. در چندین مورد مختلف به گوش خود شنیده و کاملاً متعجب شده‌ام که مثلاً معاون وزارت خارجه آمریکا تا چه اندازه از شنیدن این خبر (عقد قرارداد ایران و انگلیس) دچار حیرت و ناراحتی گردیده است. این افراد پیش خود فکر می‌کنند که در نتیجه قول و قرارهای پشت پرده (در کنفرانس صلح پاریس) بریتانیا موفق شده است ایران را یکجا ببلعد. البته به آسانی می‌شود از عمل دولت انگلستان در بستن این قرارداد دفاع کرد و به مقامات عالی‌رتبه آمریکا خاطرنشان ساخت آن قدرتی که قفقاز را کنترل کند سرانجام ایران را هم کنترل خواهد کرد. و چون دولت آمریکا حاضر نیست قیومت سیاسی بر ایران قبول کند انگلستان چاره‌ای، جز اتخاذ همین سیاستی که در پیش گرفته، ندارد. یا مثلاً می‌شود به آنها گفت که ما مایل نیستیم سیاستی از آن نوع که خود کشورهای متحد آمریکا در مرکز یک پیش گرفته است (و علناً در امور داخلی آن کشور مداخله می‌کند) اتخاذ کنیم. موقعی که انسان در حضور روشنفکران و افراد تحصیلکرده آمریکائی این دلایل را پیش می‌کشد می‌بیند که هیچ کدام از آنها منکر قوت استدلال ما نیستند و با ایتهمه چنین بنظر می‌رسد که هیچیک از این دلایل قادر نیست آمریکائیان را معتقد سازد که عمل ما در ایران درست بوده است. در مجموع، به این نتیجه رسیدیم که این اثر نامطلوبی که عقد قرارداد ایران و انگلیس در افکار عمومی آمریکا بخشیده بیشتر جنبه احساسی دارد تا پایه منطقی.

سند شماره ۸۳ (= ۷۸۷ و ۸۱۵ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف های مورخ ۲۲ سپتامبر و یازدهم اکتبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس از تهران به لرد کورن

جناب لرد،

سید ضیاء مدیر روزنامه رعد که از دوستان نزدیک وثوق الدوله و از حامیان رشید قرارداد است، چهارده فقره سؤال پیش من فرستاده که قبلاً آنها را بینیم و سپس، اگر صلاح دانستیم، بنام مصالح مشترک ایران و انگلیس، تاجائی که مقدور باشد به یک یک آنها جواب بدهم، چون مایل است همه این سؤالات را در ضمن مصاحبه‌ای که می‌خواهد با من انجام دهد طرح وجوابهای لازم را دریافت کند و سپس عین سؤال و جوابها را در روزنامه‌اش منتشر سازد.

جوابهایی که در نظر دارم به سؤالات چهارده گانه سید ضیاء بدهم در زیر به

عرضتان می‌رسد. هیچ کدام از این جوابها جنبه قطعی ندارد و من منتظر دریافت پاسخ عالیجناب هستم تا هر نوع پیشنهاد یا نظر اصلاحی که داشته باشید همه را در متن نهائی جوابهای خود بگنجانم. اینک عین سؤالات سید ضیاء و جوابهایی که در نظر دارم به آنها بدهم.^۱

س ۱ - جناب آقای وزیر مختار دولت انگلستان کی آمادگی دارد برای اصلاح مرزهای کشور وارد مذاکره با حکومت ایران گردد؟

ج - پاسخ سؤال شما، آقای سردبیر، در نطق مورخ هیجدهم سپتامبر جناب لرد کرزن داده شده است. در ضمن آن نطق رسماً اعلام شد که جناب لرد آماده‌اند این مسائل را با وزیر خارجه ایران (جناب نصرت الدوله) مورد بحث و بررسی قرار دهند.

س ۲ - آیا انگلستان آماده است اصلاح خط مرزی ایران و عثمانی را در شمال ولایت عماره و در مناطقی که فعلاً تحت اشغال انگلستان است، مورد بررسی قرار دهد؟

ج - اینها موارد اختصاصی است و ما فعلاً در موقعیتی نیستیم که بتوانیم راجع به آنها بحث یا تبادل نظر بکنیم. تکلیف مسائلی از این قبیل که از من سؤال می‌کنید موکول به عقد عهدنامه صلح با ترکیه و تعیین تکلیف قطعی بین النهرین (عراق) است که سابقاً قسمتی از قلمرو ارضی عثمانی را تشکیل می‌داد. ولی پس از آنکه این شرط قبلی (انعقاد پیمان صلح با ترکیه) تأمین شد آنوقت علی الاصول حاضریم این مسئله را مورد بررسی قرار دهیم مشروط بر اینکه پیشنهادهای دقیق و مستند از طرف حکومت ایران تسلیم گردد.

س ۳ - آقای وزیر مختار، نظر جنابعالی نسبت به اصلاح خط مرزی ایران و روسیه در منطقه نخجوان چیست؟

(حقیقت این است که بی مشورت قبلی با عالیجناب نمی‌توانم به این سؤال پاسخ دهم. بنابراین باید از خودتان خواهش کنم که مرا در دادن جواب یاری فرمائید. همین قدر می‌توانم عرض کنم که در مورد ارمنستان سیاستی از آن نوع که «هیئت اعزامی انگلستان به قفقاز» پیش گرفت، چندان صحیح و دوراندیشانه نبود و عملاً هم ثابت شد که چه نتایج تلخ و ناگواری برای ارمنیها داشته است. سیاست اتخاذ شده، نه تنها آرامنه را از ما مستتر ساخت بلکه تا حدی اسباب تنفر و ناخشنودی ایرانیان هم شد. از این جهت پاسخ این سؤال را مطلقاً به نظر عالیجناب واگذار می‌کنم.)

س ۴ - آیا به نظر دولت انگلستان تصویب شدن قرارداد در مجلس شورای ملی

۱ - سؤال و جوابها به تعوی که در اینجا آمده، تلفیقی است از دو نقره تلگراف مورخ ۲۲ سپتامبر و یازدهم اکتبر ۱۹۱۹ سرپرستی کاکس به لرد کرزن که در اول سؤالات سید ضیاء و در دومی جوابهای مورد نظر کاکس، به اطلاع کرزن رسیده است. مترجم .

ایران، مسئله ای اساسی است یا نه؟

ج - ما افتتاح مجلس شورای ملی ایران را به همان چشم می نگریم که افتتاح رسمی جامعه ملل را، بدیهی است که ترتیب اثر دادن به خواسته های ایران و اجرای تصمیمات مهم دیگر، نمی تواند به طور نامحدود منتظر تشکیل جامعه ملل یا افتتاح مجلس شورای ملی ایران باشد. موقعی که این دو مجلس افتتاح و مشغول انجام وظائف خود شدند، البته بهتر است که متن قرارداد به عنوان عملی انجام یافته به اطلاع هردوی آنها برسد. دولت متبوع من از تصویب شدن قراردادی که کارهای اصلی آن تمام شده و به امضای طرفین رسیده است بپنهایت خوشوقت خواهد شد. ولی چیزی که هست این موضوع (تصویب شدن قرارداد در مجلس) به هیچ وجه از نظر ما شرط اساسی برای رسمیت یافتن آن نیست. قرارداد از همان موقعی که امضا شده رسمی است.

س ۵ - دولت انگلستان کی آماده است مسئله احداث راه آهن و ایجاد راههای

حمل و نقل مونوری را در ایران مورد بررسی قرار دهد؟

ج - به فوریت، و اگر دولت ایران آمادگی داشته باشد از همین فردا، به حقیقت مسئله احداث راه آهن به طور خیلی جدی در مذاکراتی که جناب لرد کرزن در لندن با وزیر خارجه ایران (نصرت الدوله) انجام داده، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

س ۶ - در چه مرحله از روابط کنونی ایران و انگلستان، دولت انگلستان مسئله

اعطاء وامی بزرگتر به ایران را مورد بررسی قرار خواهد داد؟

ج - به محض اینکه کمیسیون مالی (مرکب از مستشاران انگلیسی) مطالعات مقدماتی خود را تکمیل کرد و با وضع مالی و اقتصادی ایران از نزدیک آشنا شد، اگر آنها برای اصلاح وضع دارائی ایران و تأمین مصالح دولت، ضرورت چنین وامی را تأیید و توصیه کردند، آنوقت مسئله ای که شما در سؤالتان مطرح می کنید (اعطای وامی بزرگتر به ایران) جداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

س ۷ - اکنون که قرارداد بسته شده، موضع انگلستان در قبال هر نوع حمله یا

تجاوزی به خاک ایران از طرف همسایگان چیست و چگونه با متجاوز رفتار خواهد شد؟

ج - چون در حال حاضر هیچ گونه پیمان اتحاد نظامی میان ایران و انگلستان وجود ندارد، در صورتی که خاک ایران مورد حمله و تجاوز یک دولت اجنبی قرار گیرد ما حد اعلائی کوشش خود را از مجرای اقدامات سیاسی بکار خواهیم برد تا متجاوز سرجایش بنشیند و از هر نوع شکایت ایران به جامعه ملل هم پشتیبانی خواهیم کرد.

س ۸ - پس از اینکه مستشاران انگلیسی برای اصلاح وزارت دادگستری و ریختن

شالوده جدید قضائی ایران وارد این کشور شدند، آیا انگلستان حاضر است به تدریج قدمهای

لازم را برای الغاء کاپیتولاسیون بردارد؟ اگر نه، پس کی، و در کدام مرحله از روابط جدید دو کشور؟

ج - الغاء کاپیتولاسیون، آقای سردبیر، قبل از هر چیز بستگی به این دارد که دولت ایران قدرت و شایستگی خود را برای حفظ جان و مال و حقوق اتباع خارجه عملاً نشان بدهد و دولت‌های را که روابطشان با ایران در حال حاضر مبتنی بر اصول کاپیتولاسیون است جداً معتقد سازد که قوانین مدنی کشور و صحت عمل سازمانهای قضائی ایران، به آن درجه از رشد و کفایت رسیده است که بدون مداخله کنسولها و مقامات قضائی خارجی میتواند به شکایات و دعاوی بیگانگان در ایران رسیدگی و از حقوق حقه آنها (تحت قوانین مدنی ایران) حراست کند.

س ۹ - پس از اینکه اجرای سیاست جدید انگلستان در ایران (تحت قرارداد اخیر) آغاز شد، آیا کنسولهای بریتانیا کمافی السابق مجاز خواهند بود در امور داخلی ایران دخالت ورزند؟

ج - مداخله قانونی کنسولهای ما در گذشته (در امور محلی ایران) تقریباً همیشه در جهت حفظ منافع کشور شما بوده و بطوری اجرا شده است که با قدرت حکام محلی را تقویت کند، یا اینکه مانع از اجحاف و ستم این قبیل حکام نسبت به شهروندان بی پناه گردد. بدیهی است که احتیاج به این گونه مداخلات باید بتدریج از بین برود و خواست باطنی ما هم همین است که با اصلاح سیستم قضائی و اداری ایران (در نظام جدید) این رویه هرچه زودتر منسوخ گردد.

س ۱۰ - تکلیف پلیس جنوب چه می شود؟

ج - استنباط و برداشت ما از این موضوع همیشه این بوده که پلیس جنوب (امپریال) سرانجام باید به دولت ایران تحویل داده شود و در ارتش متحدالشکل این کشور (که قرار است پس از اجرای طرح مربوط به یک پاچه شدن کلیه نیروهای مسلح ایران بوجود آید) ادغام گردد. تفاهمی که در این باره داشتیم متضمن یک تفاهم دیگر هم بود به این معنی که تکلیف نیروی قزاق (که در حال حاضر تحت اداره افسران روسی است) می بایست همزمان با تحویل پلیس جنوب به ایران تعیین گردد. ولی تمام این مسائل قرار است در کمیسیون مختلط نظامی ایران و انگلیس که در شرف تشکیل است مورد بررسی قرار گیرد و تکلیف قطعی همه آنها روشن بشود. از این جهت، تا موقعی که کمیسیون مزبور تشکیل نشده و پیشنهادهای خود را تسلیم دولت نکرده است، هیچ گونه اظهار نظر قطعی در این باره مقدور نیست.

س ۱۱ - آیا انگلستان آماده است مشاورانی برای اداره امور شهرداریها و انجام

اصلاحات شهری در اختیار شهرهای بزرگ ایران و مراکز مهم استانها قرار دهد مشروط بر اینکه اعتبارات عمرانی لازم را خود این شهرها (از مجرای فروش اسناد قرضه محلی) تأمین کنند؟

ج - بلی اساساً با این قسمت موافقیم. ولی مسئله، همانطور که خودتان اشاره کردید، بستگی به تأمین اعتبارات لازم دارد.

س ۱۲ - آیا حکومت انگلستان آماده است هیئتهای علمی برای تأسیس دانشکده‌های مختلف - هنرهای زیبا، علوم، فنی، کشاورزی، بازرگانی - در اختیار ایران قرار دهد؟

ج - بلی، به تدریج و طبق درخواست حکومت ایران، مشروط بر اینکه مستشاران انگلیسی قبلاً موضوع را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده باشند که تأسیس چنین دانشکده‌هایی ضرورت دارد.

س ۱۳ - به نظر شما آیا ممکن است دولت بریتانیا به حکومت ایران اجازه دهد که در آتیه متولیان برای مراقد مقدسه واقع در عتبات عالیات (کربلا و نجف و سامره) تعیین کند؟ اگر می‌شد حکام محلی این شهرها را هم از میان ایرانیان انتخاب کرد که خیلی بهتر می‌بود ولی این قسمت چندان مهم نیست.

ج - نظر حکومت اعلی حضرت پادشاه انگلستان نسبت به این موضوع علی‌الاصول مساعد است و ما حاضریم در این باره (انتصاب متولیان ایرانی برای ضرایح مقدسه) با حکومت ایران وارد مذاکره گردیم. ولی تعیین تکلیف قطعی مسئله تا موقعی که پیمان صلح با ترکیه امضا نشده، به هیچ وجه مقدور نیست، چون قبلاً باید معلوم بشود که اداره امور عراق (مستملکه سابق عثمانی) سرانجام به کدام دولت واگذار می‌شود.

س ۱۴ - آیا بریشتاتیای کبیر آماده است هم اکنون، یا پس از سرو سامان گرفتن اوضاع داخلی، پیمان نظامی و دفاعی با ایران ببندد؟

ج - دادن پاسخ به این سؤال، آقای سردبیر، عجالتاً برابم مقدور نیست و باید آن را قبلاً به نظر دولت متبوعم برسانم و سپس جواب بدهم. ولی شخصاً این طور فکر می‌کنم که پس از اینکه تشکیلات جدید ایران (تحت قرارداد) سر و صورتی به خود گرفت، پیدا کردن مبنایی برای عقد پیمان دفاعی چندان مشکل نباشد. چنین پیمانی قاعدتاً باید روش آتی ما را در هند و عراق، موقعی که ایران مورد حمله قرار گرفت، یا بالعکس روش ایران را در عکس این حالت، به صراحت اعلام دارد.

(پایان سؤال و جوابها)

سند شماره ۸۴ (= ۸۱۹ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ هجدهم اکتبر ۱۹۱۹ لرد کرزن به سرپرستی کاکس

عطف به تلگرافهای شماره ۶۴۴ و ۶۷۸^۱ (مربوط به پیشنهاد مصاحبه با سید ضیاء

مدیر روزنامه رعد)

نسبت به سؤال اول — جوابی را که می خواهید بدهید تصویب می کنم.

نسبت به سؤال ۲ — برای اینکه اشاره به بین النهرین (عراق) نشده باشد، جمله «و

تکلیف قطعی عراق تعیین نشده است» بهتر است حذف شود.

نسبت به سؤال ۳ — من هیچ امیدی به اصلاح خط مرزی ایران و روسیه و تثبیت آن

در ایالت نخجوان ندارم. لذا فقط می توانم پیشنهاد کنم که اگر ضرورت تشخیص دادید همین

قدر بگوئید که جامعه ملل تنها مرجع تصمیم گیرنده درباره تغییر مرز کشورهاست و اگر

روزی ادعای ایران در سازمان مزبور مطرح شد، بریتانیای کبیر توجه جدی و دوستانه نسبت

به این ادعا مهذول خواهد داشت.

نسبت به سؤال ۴ — همین چندی پیش وزیر امور خارجه ایران در پاریس اعلام

داشت که قرارداد به مجلس ارجاع خواهد شد. لذا این جمله را که «... البته بهتر است متن

قرارداد به عنوان عملی انجام یافته به اطلاع هر دو طرف آنها (جامعه ملل و مجلس شورای ملی

ایران) برسد...» بکلی حذف کنید و به جایش بگذارید: «... به نظر ما بهتر است که

قرارداد به اطلاع هر دو مجمع (جامعه ملل و مجلس شورای ملی ایران) برسد.»

نسبت به سؤال ۵ — جوابی را که می خواهید بدهید تصویب می کنم.

نسبت به سؤال ۶ — جوابتان را تصویب می کنم فقط به جای عبارت «به محض

اینکه» بگذارید «پس از اینکه».

نسبت به سؤال ۷ — جوابی که می خواهید بدهید خوب است. همان طور باشد.

نسبت به سؤال ۸ — عین جوابتان را تصویب می کنم.

نسبت به سؤال ۹ — عین جوابتان را تصویب می کنم.

نسبت به سؤال ۱۰ — جمله دومتان را که می گوید: «تفاهم قبلی ما متضمن یک

تفاهم دیگر هم بود به این معنی که تکلیف نیروی قزاق هم می بایست در این ضمن تعیین

گردد...» چون تعریضی ناخوشایند نسبت به قزاقها دارد حذف کنید.

نسبت به سؤال ۱۱ — بگوئید این موضوع به ما مربوط نیست و باید از حکومت ایران

سؤال شود.

نسبت به سؤال ۱۲ — عین جوابتان را تصویب میکنم.

نسبت به سؤال ۱۳ — جوابتان را به این جمله محدود کنید که: «دولت اعلیٰ حضرت پادشاه انگلستان پیشنهاد تعیین متولیان ایرانی برای ضرایح مقدسه را، علی الاصول با نظر مساعد تلقی می کند.»

نسبت به سؤال ۱۴ — جوابتان را این طور اصلاح کنید: «این موضوع (عقد عهد نامه نظامی با ایران) بستگی به اوضاع و احوال آتی جهان دارد.»

تا اینجا نظرات خود را دربارهٔ جوابهایی که قرار است به روزنامه نگار مزبور (سید ضیاء) داده شود برای اطلاع و راهنمایی تان قید کردم. لعا در ضمن توجه داشته باشید که ایجاد رسم و سنتی از این قبیل — که روزنامه نگاران ایرانی در آتیه حق داشته باشند از مقامات مسؤل انگلیسی دربارهٔ خط مشی و برنامه های سیاسی و اقتصادی آنها در ایران، توضیحاتی که بیشتر جنبه استنطاق دارد بخواهند — به هیچوجه خوشایند و مقرون به صلاح نیست. با توجه به فاصله نسبتاً مستدی که از تاریخ دریافت سؤالهای مدیر روزنامه رعد گذشته، و انعکاس مطلوبی که نطق اخیر من در ایران داشته، اگر موضوع مصاحبه کلاً به گونهٔ فراموشی سپرده شود خیلی بهتر است و در آتیه هم سعی کنید نظایرش تکرار نشود مگر اینکه خودتان تشخیص بدهید که پاسخ دادن به برخی سؤالات روزنامه ها مطلقاً لازم و اجتناب ناپذیر است.

موقمی که پیش نویس این تلگراف برای مخابره آماده شده بود تصادفاً وزیر خارجهٔ ایران را ملاقات و عین سؤال و جوابها را به او نشان دادم. نصرت الدوله بر این عقیده است که اگر هم قرار باشد مصاحبهٔ مزبور صورت گیرد طرح سؤالات ۶ — ۸ — ۹ — ۱۱ — ۱۲ چندان مشمر ثمر نیست و بهتر است همه شان حذف شود. بطور کلی، هر نوع اقدام بعدی در این زمینه را به نظر خود شما که به اوضاع محلی وارد و در مسائل حوزهٔ مأموریتان اطلاعات کافی دارید واگذار می کنم.

کرزن

سند شمارهٔ ۸۵ (= ۷۸۸ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

تلگراف مورخ بیست و دوم سپتامبر ۱۹۱۹ سرپرسی کاکس به لرد کرزن

جناب لرد:

تلگرافی که خدمتان تقدیم می شود رونوشت تلگرافی است که به لایب السلطنه

هند مخابره شده است. آغاز تلگراف:

از ستاد ژنرال ماليسن * در مشهد تلگرافی به مضمون زیر در تاریخ بیستم سپتامبر دریافت شده است:

در میثینگ بزرگی که تحت نظر بالشویکها در عشق آباد تشکیل شد، موضوع عمده سخنرانیها قرارداد اخیر ایران و انگلستان بود. سخنرانان اصلی عبارت بودند از: خانلریگ از...^۱، علی زیمیت (Zimmieth) از قفقاز و...^۱، از تبریز.

سخنرانان دربارهٔ مطالب و هتاکهای بریتانیا در ایران سخن راندند و آن را محکوم کردند. از تمام ایرانیان دعوت شد دست اتحاد به نیروهای ضدامپریالیستی قفقاز و بالشویکها بدهند، قوای بریتانیا را از مشهد اخراج کنند، و به کفار انگلیسی اجازه ندهند که صحن مطهر حضرت رضا را کثیف و آلوده سازند. از انگلیسیها به عنوان پارانیتها و زالوهائی که فقط با مکیدن خون دیگران اعاشه می کنند یاد شد. سخنرانان به شئونگان خود تذکر دادند که در حال حاضر نه تنها افغانها بلکه حکومت قفقاز نیز با بالشویکها پیمان اتحاد بسته اند و هدف هر دوی آنها این است که دنیای اسلام را از رقیبت و بندگی نجات دهند. ایران هم باید در حلقهٔ این اتحادها وارد شود و مطمئن باشد که مضقانش به او کمک خواهند کرد. اما اگر در این کار تأخیر شود بریتانیا حاکم ایران را خواهد بلعید و از استقلال ایران اثری بجا نخواهد گذاشت. نیاز واقعی ایران بالا رفتن سطح زندگی فقیران و تهیدستان است و نه تجدید سازمانهای اداری کشور به نحوی که انگلیسیها توصیه می کنند. هر قدر پول (در تحت قرارداد اخیر) به دولت ایران داده شود به جیب ثروتمندان خواهد رفت و دردی از دردهای نیازمندان را دوا نخواهد کرد. فقیران همچنان در فقر و فاقه خواهند ماند و ثروتمندان ثروتمندتر خواهند شد. فقط بالشویکها هستند که می توانند برای فقیران رفاه و آسایش تأمین کنند. فقط به کمک آنهاست که اسلام می تواند نجات یابد.

بنابراین تمام ایرانیان میهن دوست، جز آنهایی که سرسپردهٔ بریتانیا هستند، باید متحد شوند تا این دزدان و راهزنان اجنبی (انگلیسیها) را از خاک کشورشان بیرون سازند، اسلام را آزاد کنند، و ایرانی تازه تر و بهتر به جای ایران کنونی بوجود آورند. (پایان تلگراف مشهد)

با احترامات: پرسی، ز. کاکس

* Gen. Malleson (فرمانده قوای انگلیسی در خراسان)

۱ - نقطه چینها عیباً در تلگراف اصلی بوده و نشان می دهد که موقع کشف تلگراف نتوانسته اند جمله یا اسمی را که به جایش نقطه چین گذاشت اند بخوانند «مترجم».

سند شماره ۸۶ (= ۷۸۹ در مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا)

صورت جلسه مذاکرات مفصل لرد کرزن با فیروز میرزا نصرت الدوله وزیر خارجه ایران در لندن (به تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۱۹) که رونوشت آن برای سررسمی کاکس (وزیر مختار بریتانیا در تهران) فرستاده شده است.

حضرت والا شاهزاده فیروز میرزا نصرت الدوله (وزیر خارجه ایران) امروز بعد از ظهر به دیدنم آمد تا درباره ترتیبات مقدماتی برای اجرای هر چه سر بستر قرارداد ایران و انگلیس با من صحبت و تبادل نظر کند چون خیال دارد در عرض یکی دو روز آینده به پاریس برگردد.^۱ رئیس مسائلی که وی در این جلسه مطرح کرد عبارت بودند از:

۱- مسئله استخدام افسران و مستشاران انگلیسی در وزارتخانه‌ها و دوایر دولتی ایران
فیروز میرزا جانب دولت متبوعش شدیداً اظهار تمایل کرد که افسران و مستشاران انگلیسی که فرار است به ایران اعزام شوند تا در اصلاح امور کشور به حکومت ایران کمک کنند. حتماً از میان افرادی برگزیده شوند که جزء برترین و ممتازترین طبقات انگلستان باشند و حضلت و رفتارشان طوری باشد که هم مقام رژیمن کتونی ایران را در چشم ایرانیان و خارجیان بالا ببرند و هم استخدام خود را در دوایر دولتی ایران توجیه کنند. از این جهت، بانهایت تأکید و باحذ اعلای قوت و اصرار از من خواست که هیچیک از این مستشارانی که به ایران گسیل می شوند از میان آن دسته افسران و کارمندان عالیرتبه انگلیسی که سابقاً در هندوستان خدمت کرده‌اند برگزیده نشوند. در توضیح این اصرار، وزیر خارجه ایران اعلام داشت که مخالفتش با انتخاب این گونه اشخاص، به هیچ وجه ناشی از این نیست که شخصاً نسبت به افرادی که سابقه خدمت قبلی در هند دارند سوءظن یا عدم اعتماد داشته باشد. ولی استنباط و برداشت عمومی میان مردمان کشورش این است که این گونه کارمندان انگلیسی که سابقاً در هند و میان هندیان کار کرده‌اند روحاً طوری بار آمده‌اند که ملل شرقی را هم‌طراز خود نمی شمارند و در نتیجه ممکن است با مردم ایران همان گونه رفتار کنند که در گذشته با هندیان کرده‌اند و چنین برخوردی مسلماً برای هموطنانش قابل تحمل نخواهد بود.

هنگامی که به ایشان جواب دادم که اشخاصی که سابقه خدمت قبلی در هند دارند لاقبل نسبت به روحیات و خصایص ملل شرقی تجربه دست اول دارند و گاهی لیاقت و

۱- در این تاریخ سلطان احمد شاه قاجار هنوز در سوئیس بود و از آنجا خیال داشت به طور غیر رسمی به پاریس برود. طبق برنامه‌های تنظیم شده، نصرت الدوله پس از ملاقات لرد کرزن در لندن می‌بایست به پاریس برگردد و از آنجا جزه همراهان رسمی شاه که به دعوت پادشاه انگلستان برای دیدار رسمی به لندن می‌آمد، دوباره به لندن باز گردد.

استعداد فوق‌العاده برای کار کردن با شرقیان از خود نشان داده و مهر و علاقه آنها را به خود جلب کرده‌اند، فیروز میرزا جواب داد که حتی به قیمت برگزیدن اشخاص بی تجربه از انگلستان که فقط عده معدودی از آنها مناسب و کاردان باشند، باز مردانی را که هیچ گونه سابقه اقامت در شرق و اخذ تجربیات محلی از ملل شرق نداشته باشند به آنهائی که دارای چنین تجربیاتی هستند ترجیح می‌دهد زیرا جداً بر این عقیده است که - البته همیشه به این شرط که کسانی که برای خدمت استخدام می‌شوند آن شرایط بدوی لازم را که عبارت از لیاقت، خصوصیات اخلاقی خوب، و تجربیات فنی است داشته باشند - که اشخاصی که از خود انگلستان برگزیده می‌شوند و سابقه معاشرت قبلی با هندیان و سایر ملل شرقی ندارند علی‌الاصول بهتر می‌توانند با ایرانیها کنار بیایند تا کسانی که فاقد این شروط هستند. به حقیقت فیروز میرزا عقیده داشت که بهترین راه حل مسئله همین است که کمیسیون مختلط ایران و انگلیس - که تشکیل شدنش در متن قرارداد پیش بینی شده - هر چه زودتر بوجود آید و اعضای انگلیسی آن از بهترین مستشارانی که امکان استفاده‌اشان هست تعیین گردد. و این گروه از اعضای کمیسیون اگر وجود خود را در عمل توجیه کردند، سرکار بمانند و به عنوان مستشاران لشکری و کشوری در دوایر دولتی ایران انجام وظیفه کنند.

نسبت به انتخاب مستشار مالی، شاهزاده اظهار داشت که حکومت متبوعش آنچنان اهمیتی برای این موضوع قایل است که فردی لایق و سرشناس در رأس دارائی ایران قرار گیرد که به هیچ وجه از پرداخت هنگفت‌ترین حقوقها برای جلب چنین شخصیتی که شهرت و کفایت لازم را در زمینه کارش داشته باشد مضایقه نخواهد کرد.

به حضرت والا خاطر نشان کردم که تمام کشورهای جهان از این حیث (داشتن متخصصان مجرب مالی) در مضیقه هستند و خود به تجربه می‌دانم که اگر کسی به این مقام شامخ منصوب گردد که دانش و تجربه لازم را در امور مالی نداشته باشد، وجودش برای کشوری که مقدرات خزانه خود را به دست چنین کسی سپرده چه خطراتی ممکن است ایجاد کند اما وزیر خارجه ایران کماکان روی این موضوع پافشاری داشت که دولت متبوع وی مصمم است بهترین کارشناس امور مالی را از انگلستان برای این سمت استخدام کند و هر حقوق هنگفتی را که از حد معقول تجاوز نکند حاضرست با کمال میل به وی پردازد.

۴ - مسئله استخدام استادان فرانسوی

تصادفاً موقعی که درباره این مسائل باهم صحبت می‌کردیم از نصرت الدوله خواستم وضعی را که در نتیجه استخدام قطعی یا احتمالی استادان فرانسوی برای تدریس رشته‌های حقوق در تهران پیش آمده است از نظرگاه ایرانی برایم تشریح کند.

شاهزاده افشار داشت تمام این فرانسویانی که قرار است تدریس موادی را در تهران به عهده گیرند تقریباً همان اسنادانی هستند که پیش از جنگ در استخدام دولت ایران بوده‌اند و تنها کناری که حکومت فعلی ایران در نظر دارد بکند تجدید کنتراست سابق آنهاست. ایشان در گذشته در رشته های پزشکی، جراحی، شیمی، ادبیات و نظایر آنها، مشغول تدریس بوده‌اند.

موقعی که از نصرت الدوله سؤال کردم ایشان حضور چهارتن استاد و کارشناس حقوقی را که تازه از فرانسه استخدام شده‌اند چگونه توجیه می‌کنند؟ شاهزاده جواب داد که گرچه دولت ایران تا کنون کد ناپلئونی را رسماً اقتباس نکرده است، اما در ضمن یک سیستم جدید قضائی در ایران بوجود آمده است، متشکل از محاکم قضائی و اصول و قوانین قضائی، که هر دو بر مبنای کد ناپلئونی طرح ریزی شده‌اند. از آنجا که سیستمی که در حال حاضر با موفقیت تمام در ایران اجرا می‌شود از کتابهای حقوقی فرانسه و از رویه قضائی آن کشور اقتباس شده است، ایرانیها ترجیح می‌دهد به همان کسانی که بانی و مبتکر آن اصول بوده‌اند مراجعه کنند تا بدین وسیله مطمئن شوند که فضاآت آئی کشور اصولی را که روی آن عمل خواهند کرد خوب فهمیده‌اند و خوب هم می‌توانند اجرا کنند.

وزیر امور خارجه ایران این نکته را هم اضافه کرد که پیش از ترک تهران به مقصد اروپا، مسئله استخدام اسنادان فرانسوی را مفصلاً با سرپرستی کاکس مذاکره و حل و فصل کرده و خود وی (پریمی کاکس) بر این عقیده بوده که دیگر مطلوب نیست از طرف انگلستان اعتراض بیشتری در این باره به عمل آید.

به شاهزاده گفتم مدافعانی که تا اینجا از اقدامات دولت متبوع خود کرده رویه‌رفته منطقی است و می‌شود آنها را پذیرفت — به این معنی که گماشتن اتباع فرانسوی به بعضی کارها و پست‌های لازم، اینجا و آنجا، اشکالی ندارد. اما آن چیزی که مرا نگران کرده، دورنمای وضعی است که در آن ده دوازده نفر فرانسوی ناراضی، پس از آنکه در تهران مستقر شدند، دست به عملیات و تحریکات نهائی علیه دولتی که آنها را استخدام کرده است بزنند. از آنجا که این گروه از فرانسویان با نظام جدید ایران مخالفتند — چون همه شان از وزیر مختار فرانسه در تهران یا حکومت فرانسه در پاریس الهام می‌گیرند و هر دوی این مقامات، چنانکه خود حضرت والا بهتر میدانند، میانه چندان خوشی با رژیم جدید ایران ندارند — پس جای این واهمه هست که این اسنادان تازه استخدام شده در عمل به گروه خطرناکی از توطئه چیان تبدیل شوند و بخواهند وضع ایران را، تاحدی که مقدورشان باشد، برای انگلیسیها دشوار و ناگوار سازند.

وزیر امور خارجه ایران جواب داد: این البته خطری است که باید در مقابلش مجهز